

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا
قَوْلِي .

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ .
وَ اَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ یَّحْضُرُوْنِ .
((وَ اِنَّ هٰذِهِ اُمُوْكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنَ . فَتَقَطَّعُوْا اَمْرَهُمْ
بَیْنَهُمْ زُبُرًا کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَیْهِمْ فَرِحُوْنَ . فَذَرَهُمْ فِیْ غَمَرَتِهِمْ حَتّٰی حِیْنَ))

(موءنون / ۵۴-۵۲)

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

آیات مناسب با موضوع

برادران ، خواهران ، فرزندان عزیز ، فرزندان اسلام و ایران . امروز
روز تاریخی است ، روز تنبه و آگاهی است ، از تجربه های گذشته برای حرکت
آینده ما و به ثمر رساندن این انقلاب عظیم اسلامی ما .

معمول است که در مجالس فاتحه و یادبودها ، و در یادبودهایی
که برای شهداء و گذشتگان تشکیل می شود ، آیاتی از قرآن تلاوت می کنند
ولی این سنت مانند دیگر سنی که به نام اسلامی در میان ما مسلمانان معمول
است از اصل و مبنای خود تغییر کرده . به عبارت دیگر در مجالسی که برای تذکار
زندگان بعضی از کسانی که وفات یافته اند تشکیل می دهند ، آیاتی می خوانند یا برای

ثواب درگذشتگان، ولی اکثراً "آیاتی است غیر متناسب، غیر متناسب با وضع درگذشته، انسانی که سراپا آلوده به گناه و فحشاء، شرابخواری، قماربازی بوده، در مجلس فاتحه‌اش آیاتی که دربارهٔ نهی از فحشاء، نهی از خمر و میسر است می‌خوانند و اگر ما معتقد باشیم که بعد از این زندگی حیاتی است و مرگی نیست، بعد از تخلیه از این بدن با این آیات روح در گذشته را بیشتر زجر می‌دهیم و عذابش را افزون می‌کنیم. یا برای کسی که فرضاً ثروتهایی از راه مشروع و نامشروع به دست آورده و پولهایی در بانکها گذاشته آیه: **وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ**. (توبه قسمتی از آیه ۳۴) (را می‌خوانیم، یعنی) آنهایی که گنجینه می‌کنند طلا و نقره را و نگه می‌دارند و انفاق در راه خیر مردم و حرکت اقتصادی مردم نمی‌کنند، به آنها بشارت بده عذاب دردناکی را. این آیه برای این جور مردم خواندن در مجلس تذکار وفاتحه چنین اشخاصی، جز مزید عذاب هست؟ نه. در این مجلس هم قبل از شروع برنامه آیاتی از قرآن تلاوت شد. من هم به مناسبت خاطره چنین روزی و تذکار چنین روزی آیاتی می‌خوانم که شاید متناسب باشد، به عکس آیاتی که تناسب با اکثر مجالس و مجامع ندارد.

کتابخانه «ما» زمانه ما

وحدت قطعه قطعه شده

((وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً.))

خطاب به انبیاء است آنهایی که راه‌گشای به سوی توحید و وحدت کلمه و قسط و عدل بودند. قرآن می‌گوید اینها امت شما هستند، انبیاء در خلال تاریخ و فصول حرکت‌های اجتماعی، در دنیا‌های جامد و راکد و شرک و بت‌پرستی، توحید عقیده و عمل را اعلام کردند و مردمی را در یک مسیر و در یک خط واحد عقیدتی و ایمانی و اجتماعی به راه انداختند. ولی بعد چه شد؟

((وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً.)) یک امت، یک هدف، یک حرکت، یک عقیده، نفی هر شرک به هر صورت، به هر گونه، و یک رب. ((إِنَّا رَبُّكُمْ)) من پروردگار شما هستم. پروردگاری که نسبت به مخلوق و برای خلق هر گونه خیر و صلاحی می خواهد، رشد و تربیت می جوید و راه کمال را نشان می دهد. ((رَبِّ)) مانند اربابها استعمارگر و استثمارگر نیست، یک رب، یک وحدت، یک توحید، یک حرکت، یک هدف، بعد چه شد؟

((فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا)) بعد از این رسالت های تاریخی که یک امت محکم، پیوسته و متحد فراهم کرده اند، بعد اینها قطعه قطعه شدند، از میان خود پراکنده شدند و هر دسته ای و حزبی و مرام نامه ای و زبیری فراهم کردند.

((فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا)) یا مانند براده های آهن قطعه قطعه شدند و آن خاصیت صلابت و قدرت و آن استحکام را از دست دادند. مردمی که قطعه قطعه شدند و از حرکت توحیدی و از حرکت به سوی وحدت و امت واحده رومی گردانیدند.

((فَذَرَهُمْ)) اینها را واگذار، عمرشان به سر می رسد و در تاریخ جز ننگ و رسوایی برای خود نمی گذارند. «مآلقاتی و زمانه ما»
فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ. تا آن گاه که وقتش برسد.

وحدت مردم و رهبری روحانیت

چه تناسبی داشت این آیه با چنین روزی، روز تاریخی، قیام سی تیر برابر چه بود و چه شد؟ در همین محوطه ای که شما عزیزان جمعی ۲۷ سال قبل چه حادثه ای پیش آمد؟ استعمار، استبداد داخلی در مقابل حکومت ملی و در مقابل حرکت همه مردم و خلق ایران، دسیسه ای کرد ولی همیشه شیطان کور می خواند. اگر به جای "قوام" مهره دیگری را عرضه می کرد شاید چند روزی دوام داشت، ولی این مهره خودخواه خود فروخته شناخته

شده را به میدان آورد، با آن رجزخوانیها، با آن تهدیدها، با آن عربده جوئی‌ها و تهدید به قتل عام همه مردم. چقدر طول کشید؟ چهل و چند ساعت، چرا؟ برای وحدت، در مقابل یک عنصری که دربار مزدور با تمام قوای نظامی پشت سرش ایستاده، پشت سر آن استعمار قهار انگلستان. یک مردمی مثل شما با دستهای خالی به خیابان ریختند. وحدت جبهه ملی در همین مجلس و در پشت همین میله‌ها، وحدت مردم، وحدت روحانیت رهبری روحانیت. این عنصر و این مهره مهمی که برنامه‌ها داشت برای از میان بردن این حرکت انقلابی مردم ایران - که خاورمیانه را به حرکت در آورده بود - به لانه‌اش برگرداندند. چه خاطراتی، چه روزگاری، از یک طرف استحکام و همبستگی مردم، از یک طرف اقلیت جبهه ملی و همبستگی و اتحاد آنها، از یک طرف رهبری مذهبی و مرحوم آیت‌الله کاشانی با آن مصاحبه‌اش، با آن تهدیدش، با آن فرمان حرکت، این عنصر را زایل کردند. مهمترین پیروزی بود که برای ملت ایران پیش آمد، دنیا را به اعجاب آورد. پس از آن دادگاه لاهه و همینطور مسائل.

ولی این تجربه‌ای بود هم برای ما ملت، هم برای دشمنان ما. این تجربه وحدت برای ما ملت همین بود که توانستند مردمی با دست خالی به میدان بهارستان و خیابانها بریزند، هی جنازه پشت سر جنازه، از چپه‌های نه ساله و ده ساله تا پیرمردهای شصت هفتاد ساله. در جلوی این مجلس فریاد گریه و کلای ملی، پر خاشهای آنها.

ولی برای دشمن هم تجربه بود. از آن وقت کوشیدند تا این وحدت را تبدیل به تفرقه کنند. ((فَتَقَطَّعُوا)) قطعه قطعه شدند. هر کدام یک زمره‌ای و زبوری برای ملت آوردند. نتیجه‌اش یکسال بیشتر طول نکشید: کودتای ۲۸ مرداد.

تجربه تاریخی برای احتراز از تکرار اشتباه

درباره (این) روز تاریخی همه می دانید، شنیده اید، روزنامه ها نوشته اند، سخنرانها گفته اند، ولی مهمتر از همه، تجربه تاریخی است، عبرت تاریخی است، عبرتی که برای شما اکثر نسل جوان که در آن روز یا در دنیا نبودید، یا اطفالی بودید.

امروز ما باز در چنین مرحله تاریخی هستیم. باز آن وحدت، آن یکپارچگی، آن اتحاد، آن مشتهای گره کرده ای که به سمت دربار جبار حرکت می کرد، بعد از این که دستگاه مزدوری استعمار، لانه استعمار را منهدم کردیم، گمان کردیم کار تمام شده است. باز ((فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا)) باز حزبها، هرروز یک حزب، هرروز یک صدا، هرروز یک زمزمه، نتیجه اش چیست. برادرها؟ ما چه می خواهیم، چه می گوئیم، چه هدفی داریم؟ احزاب و جمعیت های ما اهدافشان چیست؟ چرا باید در مقابل هم قرار بگیریم؟ این مقابله ها، این موضعگیریه ها هرچند با حسن نیت باشد ولی پشت سر آن دست استعمار کار می کند. همین طور که دیدیم چندی قبل موضعگیریهائی که شد، جمعیت هایی که در مقابل هم ایستادند، نتیجه اش چیست؟ اولین نتیجه اش انصراف اکثریت مردم ایران و محرومین و مجاهدین ایران و همه مردمی که خون دادند. دائما "در روزنامه، در رادیو، در خیابانها یا هم بر بخورند. آن جمعیت با آن جمعیت برخورد کرد، آن علیه آن شعار داد، آن در مقابل آن چماق کشید. آن در مقابل این موضع گرفت، که ما را از دسیسه هایی که زیر پرده است، کیدهایی که دائما "شب و روز دشمنان ما، دشمنان زخم خورده ما در خارج و داخل مشغول تدارک هستند، از آن غافل باشیم، نفهمیم، به همین مسائل جزئی سرگرم باشیم.

رهبری قاطع اسلامی و توده مردم

ما چه می خواهیم، چه می گوئیم؟ آیا غیر از عدالت اجتماعی، آیا

غیر از آزادی، آیا غیر از کوتاه شدن دست عوامل استعمار، آیا غیر از استثمار؟ آیا این مسائل در اسلام و در قرآن ما نیست؟ یا نمی‌خواهیم بفهمیم که هست؟ نمی‌خواهیم بدانیم اسلام، اسلامی که ما می‌شناسیم. اسلامی که از متن قرآن سرچشمه گرفته و سنت پیغمبر، هیچگونه آزادی را محدود نمی‌کند، هر جمعیتی بخواد آزادی مردم را در انتقاد و بحث محدود کند، این اسلام را نشناخته است، هر جمعیتی که نخواهد استعمار و استعمار و استبداد ریشه‌کن بشود، اسلام را نشناخته.

گروه‌ها و جمعیت‌ها چه می‌خواهند؟ چه می‌گویند؟ غیر از عدالت، غیر از قسط، غیر از آزادی؟ ولی تا آن حد آزادی که در مسیر این حرکت انقلابی (باشد) که دنیا این حرکت را یک حرکت انقلابی اسلامی شناخته و هر منصفی هم می‌داند، مربوط به یک مکتب و یک گروه هم نیست. توده‌های مردم، توده‌های مسلمان، رهبری قاطع اسلامی. آیا کسی منکر این مطلب است؟ نمی‌خواهیم باور کنیم ولی دنیا می‌داند، شرق و غرب می‌دانند که این، یک حرکت جدید است. یک پدیده^۶ (نو) است در دنیا و در مجتمع ما.

نماینده‌هایی که از کشورهای اسلامی می‌آیند همه یک زبان می‌گویند: مکتب‌های غیر اسلامی در کشورهای اسلامی کم رنگ شده است اما قومیت‌ها و ملیت‌ها در توده‌های جوان و ملت‌های اسلامی کم اثر شده، همه متوجه یک انقلاب اسلامی هستند. چرا گروه‌های ما نمی‌خواهند باور کنند، بیندیشند؟ چه سؤال‌ه‌ایست که ما باید در مقابل هم قرار بگیریم؟ بین مسلمانها یک قرآن، یک کعبه، یک خدا، یک مبدأ، یک معاد یک قرآن حاکم است، یک کتاب است.

قسط اسلامی چیست؟

گروه‌های غیر مسلمان چه می‌خواهند؟ قسط می‌خواهند؟ عدالت می‌خواهند، نفی استثمار و استعمار می‌خواهند؟ مگر قرآن موافق با استثمار

و استثمار است؟ آیاتی که من در مجالس و مجامع گاهی خوانده‌ام: ((لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)).

(حدید/۲۵)

((شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ)).

(آل عمران/۱۸)

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ)) (نساء/۱۳۵)

قسط یعنی چه؟ قسط یعنی حق هرکسی را به او دادن، قسط یعنی هرکسی را در مورد خود قرار دادن، قسط یعنی شمره کار و فکر هرکسی را به خودش برگردانیدن، نفی استثمار، استثمار یعنی بهره‌کشی انسان از انسان که بدترین پدیده‌ای است در جوامع بشری از ابتدای تاریخ، بشری که خدا او را مختار و متفکر آفریده، و آزاد آفریده تا از منابع طبیعی بهره‌مند بشود و منابع طبیعی را استثمار کند. بعد همین بشر افراد خودش را استثمار می‌کند، یعنی بهره‌کشی انسان از انسان و این پست‌ترین، بدترین پدیده‌ای است که در تاریخ پیش آمده و هنوز در دنیا ریشه دارد. در همه جای دنیا هم استثمار هست، در تمام کشورها، فقط فرقی که می‌کند در بعضی از کشورها استثمارگر دولتها هستند، احزاب هستند، در بعضی از کشورها، گروهها هستند. پس ما سه شعار داریم. کیست که این (سه) شعار را قبول نداشته باشد؟:

نفی استثمار، نفی استبداد به هر صورت، نفی استثمار.

شما برادران، شما فرزندان، آیا غیر از این سه حرف و سه مطلب که اساس حرکت اجتماعی و انقلاب ماست. مطلب دیگری هم دارید؟ پس چرا در مقابل هم موضعگیری می‌کنید؟

آن قدر مسأله قسط در ادیان و اسلام مهم است که کسانی که حتی با دین سروکار ندارند، اگر صادقانه قیام به قسط کنند، قرآن از آنها تمجید کرده [است].

((إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ
الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ)) (آل عمران / ۲۱)

آنهایی که کفر به آیات می‌ورزند، آنهایی که انبیاء را بدون حق می‌کشند، آنهایی که آمرین به قسط را می‌کشند.

کسانی که به تعبیرات قرآن واردند، تکرار **وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ** متوجهند که یک گروه دیگری هستند. مردمی که ندای انبیاء را نشنیدند یا نفهمیدند، قاصرد نه مقصرد. اگر در راه قسط حرکت کنند، برای اقامه قسط، قاتلین اینها را قرآن در ردیف قاتلین انبیاء قرار داده و به همه بشارت عذاب داده. این سعه صدر اسلام است.

برادرها، فرزندان، مسلمانها، اسلام دارای سعه صدر است، اسلام دارای گذشت و چشم‌پوشی است. اسلام با تنگ‌نظری درست در نمی‌آید. بنابراین ما هم تا مادامی که افرادی، گروه‌هایی، در خلاف مسیر و حرکت انقلاب اسلامی ما حرکت نکنند، حق نداریم که نسبت به آنها تعرض کنیم، اهانت کنیم. وحدت را باید حفظ کنیم، اگر ما وحدتمان را حفظ نکنیم دیگر در سرحدات ما و اطراف ما هر روز یک غائله‌ای مصیبتی پیش نمی‌آید. همان مردم ما باید از حریم و مرز انقلاب ما و مرز کشور ما دفاع کنند. دیگر لازم نیست سپاه و ارتش برود آنجاها. ولی برادر همین شبهه‌ها، اختلاف‌انگیزی‌ها هر روز، روزنامه، رادیو، برادر کشی. چرا برادر کشی؟

برادر کرد، برادر عرب، برادر بلوچ، مگر غیر از آزادی، غیر از آبادی، غیر از قسط، مطلوب دیگری داری؟ اگر در سایه اسلام و قرآن تأمین نشود از کجا می‌توانی تأمین بکنی؟ به چه صورتی می‌توانی تأمین بکنی؟ در سایه کدام کشور می‌خواهی قسط و عدالت را تأمین بکنی؟

قسط، یعنی حق هر کسی را به او دادن. مطلب دگم و بسته‌ای هم نیست. چه حق اقتصادی هر کسی، بهره‌ء کار هر کسی، چه حق فکری و چه

حق اجتماعی، یعنی هرکسی، هر فردی به حسب استعدادش، هوشش، کارایش، باید در پست خودش قرار بگیرد.

اگر حرکت ما، حرکت انقلابی اصیل باشد، یک وزیر، یک مدیر، همین قدر احساس کند که یک فردی بهتر از او کار می کند، کارائی یک فرد بیشتر است، حرام است برایش که این پست را نگهدارد. باید بدهد به آن کسی که کارا می باشد. فوراً "پست را خالی کند."

شوراهای اسلامی هرم مجتمع را باقی نگه می دارند

اگر ما به قسط اسلام و اقامه قسط معتقدیم. اگر به رهبری قرآن و اسلام معتقدیم، هرکسی به جای خود، هرکسی به حق خود، این نظام هرم اجتماعی است قاعده این هرم بر توده مردم است، توده مردم، قاعده این هرم، این مخروط هستند، تمام طبقات، کارگر، کشاورز، بازاری، کارمند، کشوری، لشگری، در رأس این مخروط طبقه حاکم یا رهبر است.

متأسفانه در نظام طاغوتی، آنهایی که نگهبان و نگهدار اجتماعند و قاعده این هرم هستند، در تحت فشار واقع می شوند. امر همیشه از بالا باید صادر بشود. برخلاف منافع توده ها، برخلاف مصالح توده ها، توده ها را زیر بگیرد. در فشار بگذارد، استعدادها را بکشد، ولی در نظام عادلانه باید از پایین به بالا الهام بشود و نظام اجتماعی و رهبری را باید توده مردم انتخاب کنند. در نظام اجتماعی ما، رأس این هرم که در بار بود ساقط شده ولی هنوز قواعدش باقی است.

اگر شوراها تشکیل بشود، اگر مردم همه حق رأی داشته باشند، همه حق نظر داشته باشند، این هرم قابل بقاست والا آسیب پذیر است و ما باید متوجه باشیم.

رهبری و شخصیت رهبر بقدری قاطع، به قدری دارای ایمان و حسن نیت است که کمتر می توانید شما رهبری مثل آیت الله خمینی پیدا کنید.

گروههایی گله می‌کنند که ما راه نداریم ، بی خود گله می‌کنند . یک گوش شنوا اُذُنْ وَاَعِیَّةَ - همانطور که در وصف پیغمبر قرآن گفته - حرفها را می‌شنود ، می‌سجد و بعد آنچه که صحیح است و درست است و قابل اجراست دستور می‌دهد .

هدف رهبر ما احیای اسلام اصلیت

بعضی خیال می‌کنند من گاهی که مسافرت می‌کنم به قم ، فقط برای یک مسأله مهم سیاسی است . روزنامه‌ها جنجال می‌کنند ، سروصدا ، خط‌های درشت . بله ، تبادل نظر هست ولی مهمتر از این ، من هر وقت احساس ضعف می‌کنم . گاهی یا س برایم پیش می‌آید از چنین رهبری ، قاطعیت ، توکل ، ایمان ، خلوص والهام می‌گیرم . اگر قدردانی نکنید خداوند بر اثر این کفران نعمت ، باز همانطوری که از رهبرهای گذشته قدردانی نکردید ، خداوند ما را مبتلا به عذاب خواهد کرد .

آنچه برای ما و رهبری ما مهم است نشان دادن چهره واقعی اسلام است که بعد از رسول خدا و صدراول ، این چهره آلوده شده ، اسلام از دربارها ، وابستگان به دربارها ، وابستگان به طبقات ممتاز ، و استثمارگرها صادر شده (است) ، ما می‌خواهیم بگوئیم این اسلام ، آن اسلام نیست .

آن اسلامی که قرآن آورد ، آن اسلامی که پیامبر آورد ، آن مدینه فاضله‌ای که در یثرب تشکیل شد ، این غیر از آن اسلامی است که امروز در کشورهای اسلامی و در کشور ما تا به حال بوده (است) .

اگر اجتماع ما شکست بخورد مهم نیست ، باید گروههای مذهبی ، جامعه‌های مذهبی ، رهبرهای مذهبی ، متوجه باشند اسلام شکست نخورد ، چهره اسلام خراب نشود . علی شکست خورد ، امام حسین هم شکست خورد . علی می‌توانست با سیاست‌های معمولی ، با مروان و طلحه و زبیر و معاویه چندی بسازد . بعضی از نویسندگان مصری هم می‌گویند علی سیاستمدار

نبود، برای اینکه اگر با اینها می ساخت، می توانست خلافتش ادامه پیدا کند. با این دید می بینند. ولی اگر می ساخت (آیا) این علی همان علی بود که ما امروز می شناسیم؟

علی شکست خورد ولی چهره علی باقی ماند. چهره علی در تاریخ ماند، نظامی که علی می خواست به ما نشان داد. امروز ما هم همین را می خواهیم:

اگر خدای نخواست شکست خوردیم، می خواهیم چهره اسلام باقی بماند، فرصت طلبی ها، خودخواهی ها، غرورها، چهره اسلام را آلوده و منحرف نکند. آن چهره خالص اسلام، آن چهره آزادیبخش اسلام، آن چهره ای که نفی هرگونه استعمار و استثمار بشر از بشر می کند، آن باقی بماند. بیش از این نه من حال دارم. شما هم خسته شدید، فقط یک توصیه، بیایید با این سه شعار: نفی استعمار و عوامل استعمار، نفی استبداد به هر صورت (و نفی استثمار به راه اسلام واقعی گام برداریم).

و حذتمان را قطعه قطعه نکنیم

باز این آیه را برایتان بخوانم که می فرماید "آن کسانی که می خواهند در زمین خودخواهی کنند و غرور و سربلندی و افتخار بردیگران بفروشند، که افساد در زمین می کنند، آنها در جایگاه آخرت جایی ندارند".

پیغمبر اکرم هر سپاهی را که می فرستاد می فرمود با آنها بجنگید که با شما می جنگند ((اَللّٰهُ تَعَالٰی عَلٰی اللّٰهِ فِيْ عِبَادِهِ وِبَلَادِهِ.)) سرکشی نکنید، غرور برای شما پیش نیاید.

رهبرهای مذهبی، جوانهای مذهبی، جوانهای دیگر، غرور باعث شکست ماست، خودخواهیها، خودبینیها، جمعیت پرستیها، گروه پرستیها، نکنیم که مشمول همین آیه بشویم ((فَتَقَطَّعُواْ اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا فَدَرَبُوْهُم فِیْ عَمْرَتِهِمْ...)).

در گرداب خودشان بی‌چند ، یک وقت متوجه می‌شوند که همه چیز را از دست دادند . آنهایی که علیه مصالح مردم ، مصالح مسلمانها ، مصالح ایرانی‌ها ، در همین کاخ مجلس شورا عربده می‌کشیدند ، کجا بودند ؟ آن احزابی که کارشکنی کردند در مقابل آن حرکت ملی ما ، چطور می‌توانند این ننگ تاریخی را از چهره‌شان بزدایند ؟ همه ما مردنی هستیم . همه می‌میریم ، کاری کنیم که در این مفصل تاریخ ، نگویند فلان حزب خیانت کرد ، حرکت را متوقف کرد ، انقلاب را منحرف کرد ، فلان جمعیت چنان کرد .

عمر ما در مقابل عمر تاریخ چیزی نیست ، باید خدا را در نظر داشته باشیم . وجدان عمومی را در نظر داشته باشیم .

نسل آینده در دنبال ما - همانطور که ما گذشتگان و زندگی آنان را تجزیه و تحلیل می‌کنیم - تجزیه و تحلیل خواهند کرد و (سعی کنیم تا) مورد تفرین آنها واقع نشویم .

درود من و درود همه ما بر شهدای سی تیر . در این فصل تاریخی ... ولی بعد از آن ، این نهضت متوقف شد ولی خاموش نشد ، مثل موج دریا . یک دهه گذشت ، پانزده خرداد پیش آمد با رهبری امام خمینی . باز مردم راکستند ، قربانی دادیم ، فدیہ دادیم و دشمنان ما با کوبیدن ما گمان کردند با این قربانی دادنها ، مطلب تمام شد . ولی طولی نکشید که این قیام بزرگ و انقلاب عظیم ما پیش آمد . بر اثر وحدت ، بر اثر یکپارچگی . خداوند همه ما را به راهی که خیر جامعه ماست ، آینده ماست ، نسل ماست ، هدایت کند .

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.